

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، مالك الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق
الإصباح ديان الدين رب العالمين، الحمد لله الذي من خشيته ترعد
السماء وسكانها، وترجف الأرض وعمارها، وتموج البحار ومن
يسبح في غمراتها.

بنام خداوند بخشاینده بخشایش‌گر

حمد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است؛ کسی که مالک
سلطنت، روان‌کننده کشتی (وجود)، مسخرکننده بادهای، شکافنده سپیده
صبح، حکمفرمای روز جزا و پروردگار جهانیان است، سپاس مخصوص
خدایی است که از ترس و خشیت او، آسمان و ساکنانش می‌غرند، و زمین و
آبادکنندگان می‌لرزند، و دریاها و هر آن‌که در اعماقش غوطه‌ور است موج
می‌زنند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، الْفَلَكَ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ
الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مِنْ رُكْبِهَا وَيَغْرِقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمَتَّقِدُمْ لَهُمْ مَارِقِ، وَ
الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقِ، وَ الْإِلَازِمُ لَهُمْ لَاحِقِ .

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ همان کشتی روان در
اقیانوس‌های ژرف؛ که هر که بر آن سوار شود، ایمنی یابد و هر که آن را رها
کند غرق شود، کسی که از آنها پیش افتد، از دین خارج است، و کسی که
از آنها عقب بماند، نابود است؛ و همراه با آنها، ملحق به آنها است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿بِسْمِ﴾: الجار والمجرور متعلقان بفعل (اقرأ). أمّا معنى (الابتداء) فهو حاصل من موقع البسملة، التي ابتدأ بها الكلام. وأمّا معنى: (الاستعانة) فمتحقق؛ لأنّ في القراءة معنى (الاستعانة)؛ لأنها - أي القراءة - لا تكون إلاّ بحول وقوّة منه سبحانه.

﴿بِسْمِ﴾ (به نام): جار و مجرور و متعلق به فعل "إقرأ" (بخوان) می باشد. معنای اولیه آن (بخوان) حاصل از جایگاه "بسم الله" است، که سخن با آن آغاز می گردد. و اما معنای "استعانت" (یاری طلبیدن) محقق شده؛ چرا که در خواندن، معنای "استعانت" و یاری طلبیدن نهفته است، و هیچ قرائتی وجود ندارد مگر به حول و قوّه او سبحانه و متعال.

فالمعنى: اقرأ بالله الرحمن الرحيم؛ لأنّ أسماؤه وصفاته الكمالية عين ذاته.

بنابراین معنای آن "إقرأ بالله الرحمن الرحيم" (بخوان به الله رحمن رحيم) می باشد؛ چرا که اسما و صفات کمالیه خداوند عین ذات او می باشد.

وتوضیح هذا المعنى: إنّ عمل القراءة الذي أوّديه، قائم بالله، وما كان لولاه. أي إنّ في (بسم الله الرحمن الرحيم) اعتراف من العبد أنّه: (لا حول ولا قوّة إلاّ بالله). واعتراف أنّ كل ما سواه أعدام، قامت بوجوده، وظلمة أشرفت بنوره.

و توضیح این معنا: عمل «خواندن» را که انجامش می‌دهیم، قائم به خداوند است، که اگر او نبود، هیچ چیزی وجود نمی‌داشت. به عبارت دیگر در «بسم الله الرحمن الرحيم» اعترافی از جانب بنده وجود دارد که «لا حول و لا قوّة الا با الله». و اعتراف به اینکه هر چه غیر او است عدم می‌باشد و همه به وجود او قوام یافتند و بر پا شدند، و تاریکی به نور او اشراق یافت.

وفي البسمة استعانة تامّة من الفقير المطلق بالغني المطلق، وبما أنّ القرآن هو الهادي إلى الصراط المستقيم، فلا بد - لمن أراد البدء في السير على هذا الصراط المستقيم - من علم وحول وقوّة يهتدي بها ويستعين بها في سيره. ومن أين له بها إلا من مصدر الوجود، فكان الحق أن تكون البداية والاستعانة بسم الله، وهو الاسم الجامع لصفات الكمال الإلهية.

در بسمله ، یاری خواستن کامل فقیر مطلق از غنی مطلق وجود دارد ، و همان طور که قرآن هدایت کننده به صراط مستقیم است، پس کسی که خواستار شروع سیر در این صراط مستقیم است، نیازمند به علم و حول و قوّتی که با آن هدایت شود و در سیر و سلوکش از آن یاری جوید، می‌باشد. و از کجا می‌توانند به چنین چیزی دست یابد؟ جز از سرچشمه وجود؟! پس حق این است که شروع و یاری جستن با بسم الله باشد؛ و آن اسم جامع صفات کمال خداوندی است.

ف (اسم): مأخوذ من سما، أي: علا وارتفع وظهر. و (الله): مأخوذ من: أله. فالخلق يتألهون إليه في حوائجهم، وسدّ نقائصهم. فمن أراد العلم قصد الله، ومن أراد الرزق قصد الله، ومن أراد القوّة قصد الله، ومن أراد الشفاء قصد الله، ومن أراد أن يجبر نقصه من أي جهة، قصد الله الجامع لكل الكمالات.

کلمه «اسم» از «سما» گرفته شده است ، و به معنای بالا رفتن، رشد یافتن و ظاهر شدن می‌باشد. و الله از «اله» گرفته شده است . و خلق در نیازهایشان و جبران کاستی‌هایشان به او رو می‌کنند؛ هر کس خواهان علم باشد قصد الله می‌کند، هر کس خواهان روزی باشد قصد الله می‌کند، هر کس خواهان نیرو و قوت باشد قصد الله می‌کند، هر که خواهان شفا باشد قصد الله می‌کند ، و هر کسی که خواهان جبران نقص و کاستی‌اش از هر جهتی باشد، قصد الله که دربرگیرنده تمام کمالات است ، می‌کند .

فسبحانه واجه خلقه بصفاته الذاتية الكمالية، ويجمعها اسم (الله) الذي يطلق على الذات الإلهية فقط.

پس خداوند سبحان با صفات ذاتی کمالی‌اش با خلقش روبه‌رو شد ، و همه صفات را در اسم «الله» که فقط بر ذات الهی اطلاق می‌گردد، جمع فرمود.

أما كُنهه وحقيقته سبحانه فلا يعلمها إلا هو. فكان حقاً على ابن آدم أن يبدأ سيره إلى الكمال مستعيناً بمالك الكمال، وواهب الكمال، سبحانه وتعالى، ناطقاً باسمه الجامع لصفات الكمال التي واجه بها خلقه وعرفوه بها.

اما كُنه و حقیقت خداوند سبحان را جز «هو» (او) نمی‌داند. بنابراین به حق، شایسته است که فرزند آدم سیرش به سوی کمال را با یاری‌جستن از صاحب کمال ، و بخشاینده کمال آغاز کند؛ خداوند سبحان و متعالی ، که با اسم جامع صفات کمالی‌اش که خلقش با آن روبه‌رو شدند و با آن او را شناختند، تکلم نمود.
